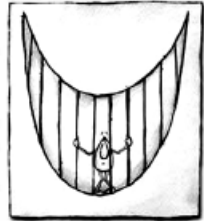


خالی از شوخی

فکر کردم مثلا: باد انقلاب، وزش خشونت، بادهای متغیر، انقلاب پر باد، بر بلندهای بادگیر انقلاب، بادها و یادها، باد ما را به ایران خواهد برد، باد آن‌ها را با خود خواهد برد، طوفان انقلاب و یا حتی: انقلاب بر باد رفته و شاید بادهای عوضی... اسم‌های بامسمایی هستند. شما چه فکر می‌کنید؟ اگر عضو حزب باد نیستید یک اسم هم شما پیشنهاد کنید!



خواندند و خیلی خوششان آمد. معلم مدرسه پرسید خب بچه‌ها وقتی که بزرگ شدید می‌خواهید چه کاره شوید؟ همه یک صدا جواب دادند «ناپدید!»

همه ملت‌های دیندار و بی‌دین دنیا هستند. ملی مذهبی‌ها نه به دهکده جهانی کاری دارند و نه می‌دانند مساحت ایران چقدر است. برای آن‌ها فقط سائیز صندلی حکومت مهم است. یک بار این سه گروه خواستند با هم ائتلاف کنند. گفتند با هم بریم صفا کنیم! یک شب به خرج ملت ایران رفتند الواطی. چند نفر از ملی مذهبی‌ها بعد از آن شب یک خورده مذهبی تر شدند. مذهبی‌ها چند تایشان ملی شدند و چند تا از ملی‌ها، ملی مذهبی شدند. در جمع همه چیز همان طور ماند و ائتلاف شکست خورد!

مطنه جهانی ارزش خون

بالاخره آمریکا قبول کرد که یکی دو تا از سربازان، که فرق کامپیوتر و قمقمه را نمی‌دانند دسته گل به آب داده، یک بمب گنده را اشتباهی بر سر یک دو جین از افغان‌های آزادی طلب و ضد طالبان در شهر «حاضر قدم» انداخته‌اند. حالا خبریاری و باقالی بار کن.

فرمانده شترق زد توی گوش سربازان و فریاد زد مرتیکه چشماتو باز کن که بمب را کجا می‌اندازی.

سرباز گریه کنان گفت: سرکار آخه این‌ها همه شبیه به هم هستند همه شون ریش و پشم دارند من از کجا بفهمم کدوم طالبانه کدوم اتحاد شمال؟ چشمشون کور باید می‌رفتند ریششان را تیغ می‌زدند تا جانشان را حفظ کنند.

خبر رسید به رسانه‌های دنیا و بی‌وی گندش همه دنیا را فرا گرفت. آمریکا اولش خواست ابرونی بازی در بیاره و بهانه‌های سربازان را به خبرنگاران بدهد. ولی نشد و همه آمریکا راهو کردند. آمریکا هم عصبانی شد و گفت سگ خور، پولشو می‌دم. ما که این همه بمب ۱۰۰ هزار دلاری خرج کرده ایم یک خرده دیگر هم روش. خلاصه بالا و پایین «حامد کرزای» بقیه در صفحه ۳۶

Winds of Change به بازار آمده. مترجمان فارسی خیلی زور زده‌اند و اسم فارسی آن را بالاخره به نام «نسیم تحول» به فارسی نویسان هدیه کرده‌اند. من زیاد با این اسم که البته خیلی شیک و خوشگل است حال نمی‌کنم و نمی‌دانم در ترجمه، باد چطور به نسیم تبدیل می‌شود؟ نسیم برای لذت بردن است در حالی که باد کلاه را می‌برد و موهایمان را پریشان می‌کند یا برگ درختان را بر زمین می‌ریزد. من فکر می‌کردم اسم‌های دیگری هم بود که می‌شد عنوان این کتاب را به آن‌ها ترجمه کرد که هم ترجمه وفادار به اصل باشد و هم آن‌که منظور و پیام نویسنده را به خوانندگان در این سوی دنیا و مخصوصا در آن سوی دنیا برساند!

نسیم تحول

حتما شنیده‌اید که کتاب جدید رضا پهلوی به نام

آدم ربایی

موج آدم ربایی مخصوصا ربودن نویسندگان و آدم‌هایی که سرشان به نشان می‌ارزد باز در ایران آغاز شده. درست مثل سری اول مردم صدایشان در آمد که پس این‌ها کجا رفتند؟ چه کسی مسؤول ربودن آن‌هاست؟

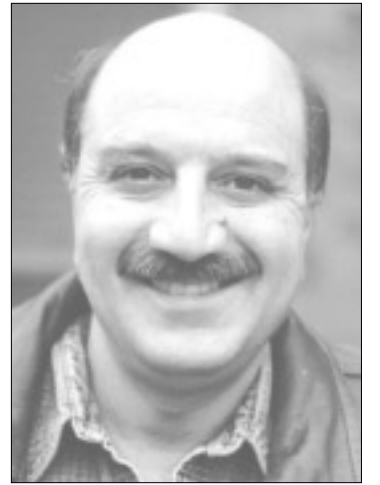
مسئولان اول سعی کردند با ملت مزاح کنند و جواب دادند به ما چه. حتما بشقاب پرنده‌ها آمدند و آن‌ها را برده‌اند. ملت عصبانی تر شدند و گفتند بشقاب پرنده چیه؟ این دام بر مرغ دگر نه! مسؤلین گفتند خب باشه. شاید افراد خانواده این‌ها اونهارا دزدیده‌اند تا پول از بیمه بگیرند. ملت عصبانی تر شد و گفت ما که توی آمریکا نیستیم و بیمه عمر نداریم اونهم برای نویسندگان مفقود! برو بابا... مسؤلین که دیدند هوا خیلی پسه همه معترضین را دزدیدند و بردند پیش نویسندگان ربوده شده و اوضاع برای چند سالی آرام شد! ... and they lived... happily ever after...

* بچه‌های مدرسه این داستان را

مذهبی‌هاست. ملی مذهبی‌ها هم افتاده‌اند توی زندان. مذهبی‌ها به آن‌ها گفته بودند: یا با ما می‌دو یا با آن‌ها! وسط همیشه ایستاد. البته ایرادی به مذهبی‌ها وارد نیست چون آن‌ها همه عمر شتر دیده بودند و می‌دانستند که مرغ را باید سر ببرید و خورد ولی نمی‌دانستند حیوانی چون شتر مرغ هم وجود خارجی دارد.

مذهبی‌ها ملیت را قبول ندارند و می‌گویند از دهات‌های دهکده جهانی کلا سشان بالاتر است. ملی‌ها، مذهب زوری مذهبی‌ها را قبول ندارند و می‌گویند مذهبی‌ها را باید توی قفس گذاشت، بهشان آب و دانه داد تا برایت چهچه بزنند. جالب اینجاست که مذهبی‌ها آن‌ها را در قفس گذاشته‌اند و چهچه هم اصلا برایشان مهم نیست. همه این گروه‌ها شبیه به هم هستند ولی می‌توان به سادگی آن‌ها را از هم تشخیص داد. ملی‌ها معمولا ریش و سبیل ندارند. مذهبی‌ها ریش و سبیل علامت اعتقادشان است. ملی مذهبی‌ها طرفدار ریش کوسه‌ای و ته ریش‌های ساعت ۵ بعد از ظهر هستند. مذهبی‌ها عمامه و عبا می‌پوشند، ملی‌ها کراوات می‌زنند. ملی مذهبی‌ها عاشق لباس‌های «حامد کرزای» هستند، مذهبی‌ها تعداد زوجات را دوست دارند. ملی‌ها حتی از نصف زوج هم شکایت می‌کنند، ملی مذهبی‌ها یک زوج می‌خواهند و یک نصفه دیگر برای اوقات تفریح. مذهبی‌ها هر شب دعا می‌کنند، ملی‌ها هر شب عرق می‌خورند. ملی مذهبی‌ها دعا می‌کنند که عرق خوردن قانونی بشود. مذهبی‌ها عاشق تریاک هستند، ملی‌ها عاشق عرق خوری، ملی مذهبی‌ها عاشق خودشان.

ملی‌ها شعاع فکرشان برای خروج از مرز ویزا لازم دارد. مذهبی‌ها فضول کار



مسعود ناصری

کاریکلماتور سیاسی

مادر ایران سه دسته مردم داریم که از قضای روزگار در کنار هم زندگی می‌کنند: ملی‌ها، مذهبی‌ها و ملی مذهبی‌ها.

ملی‌ها سابقه شان بیشتر است و دو سه هزار سال است که آنجا هستند. مذهبی‌ها سابقه کمتری دارند ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ سال پیش سر و کله شان پیدا شد.

ملی مذهبی‌ها تازه ترین گروه این مردم هستند و فقط ۳۰-۲۰ سال سابقه سیتی زنی در ایران دارند!

این گروه‌های مختلف مردم ما رابطه جالبی دارند. ملی‌ها از مذهبی‌ها بدشان می‌آید. مذهبی‌ها از هر دو ملی‌ها و ملی مذهبی‌ها بدشان می‌آید. ملی مذهبی‌ها از هر دو تایی دیگر خوششان می‌آید و یا تظاهر می‌کنند. حقیقت اینست که اکثریت با ملی‌هاست ولی حکومت دست

شیرین براون

تمام ایرانیان باید صاحب خانه بشوند



مشاور املاک و مستغلات مسکونی، تجاری، زمین و املاک Foreclosure ناحیه بالتیمور مریلند

(ما خانه شما را بدون هیچگونه هزینه‌ای ارزیابی می‌نمائیم.)

22 W. PADONIA RD., SUITE A100
TOMONIUM, MD 21093

OFFICE (410) 252-2111
Residence (410) 561-5299

Voice Mail (410) 667-2419
Cell. (410) 499-7121